

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه قیامة

استاد ضرابی

جلسه نهم ۱۴۰۳/۵/۲۰

آیات شریفه: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (۳۶) أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنًى يُمْنَى (۳۷) ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (۳۸) فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۳۹) أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى (۴۰)»
آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود (۳۶) آیا او نطفه ای از منی که در رحم ریخته می شود نبود (۳۷) سپس بصورت خون بسته در آمد و خداوند او را آفرید و موزون ساخت (۳۸) و از او دو زوج مرد و زن آفرید (۳۹) آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟»

مجموعه ای که از اجزای هدف دار تشکیل شده است، خود نمی تواند بی هدف باشد. !

«أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى...» در آیات قبل فرمود: (كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ... - چنین نیست که شما پنداشته اید که دلایل معاد را کافی نمی دانید بلکه شما دنیای زودگذر و هوسرانی بی قید و شرط را دوست دارید و آخرت را رها می کنید) در حدیث نبوی (صلی الله علیه و اله) حُبِّ دُنْيَا بِه عنوان علت اصلی همه خطاها شمرده شده است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَمِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ، وَسَبَبُ إِحْبَاطِ حَدِيثِ كُلِّ حَسَنَةٍ.» (بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۱۸۲ ح ۱۰)

به بیان امام خمینی (ره): «هرچه توجه نفس به دنیا بیشتر گردد به همان اندازه از توجه به حق و عالم آخرت کاسته و به غفلت انسان اضافه می شود تا آنجا که قلب، معکوس و وارونه می گردد و گاهی نیز راحتی و سلامتی، سبب غفلت انسان می شود، اما وقتی به گرفتاری مبتلا شود، به یاد خدا می افتد تا او را از آن گرفتاری نجات دهد.» در اندیشه امام خمینی (ره) «غفلت از نعمت های اخروی و سستی در اعمال و عبادات ناشی از سستی ایمان افراد است.» (شرح چهل حدیث، ص ۲۴۰)

همچنین به گفته آن حضرت: «آرزوهای بلند و ظن به بقا سبب غفلت از آخرت و فراموشی هدف و مقصد است که سبب می شود انسان بدون اینکه زاد و توشه ای برای آخرتش فراهم کند، ناگاه اجلش فرارسد و به هلاکت بیفتد.» (شرح چهل حدیث، ص ۱۷۴-۱۷۵)

سعی کن حرص و طمع خانه خرابت نکند غافل از واقعه روز حسابت نکند

ای که دم می زنی از نوکری احمد و آل آن چنان باش که ارباب جوابت نکند

امام می فرماید: «غفلت انسان موجب حقیقت نیافتن عبادت و عدم پذیرش آن می شود؛ زیرا عبادتی که از روی غفلت انجام شود، بر نفس هیچ گونه تاثیری ندارد و از صورت و ظاهر به باطن نمی رسد و به ملکوت نمی رود.» (آداب الصلاة، ص ۳۱-۳۳)

از این رو، می فرماید: «بیدار شدن از خواب غفلت منزل اول انسانیت است؛ بنابراین غفلت از نفس و مکاید آن، سبب افزایش حجاب ها می گردد تا آنجا که فطرت انسان به واسطه این حجاب ها خاموش شده، از محبت الهی در قلبش چیزی باقی نمی ماند؛ بلکه از انبیاء و اولیای الهی تنفر پیدا می کند تا آنجا که درهای سعادت به روی او بسته می شود و سرانجام آن خلود در عذاب جهنم است.» (دانشنامه امام خمینی، ج ۷، ص ۵۰۶)

بنابر این نباید فراموش کنیم که علت همه اینها تعلق به دنیاست؛ در عین حال، پاسخ دادن به شبهات و آشکار نمودن حقیقت، شیوه و روش آیات قرآن کریم است؛ کسانی که باوری به زندگی پس از مرگ ندارند، و با مشاهده صحنه مرگ، اعتقاد به زندگی در جهان دیگر را به سخره می‌گیرند؛ «أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَاباً وَ عِظَاماً أَ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ» (واقعہ ۴۷) و به تبع آن، عملاً تلاشی برای تحصیل معرفت و زاد و توشه، برای آخرت نمی‌کنند، در واقع، زندگی را بی‌هدف و مهمل می‌پندارند.

از این جهت ملاحظه می‌کنید که آیات نخستین این سوره مبارکه «لَا أَقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ...» (سوگند به روز قیامت و سوگند به نفس لواحه و وجدان بیدار و ملامتگر، که رستاخیز حق است) که از جهت محتوا، با آیات پایانی این سوره، در تطابق کامل قرار دارد، برای ایجاد باور به قیامت به عنوان غایتی که دنیا در حرکت استکمالی خود به آن خواهد رسید، استدلالی را به این مضمون، طرح می‌فرماید: آیا هدف از خلقت منی، نطفه نیست؟ (أَلَمْ یَكْ نُطْفَئْ مِنْ مَنِّیْ یَمْنًی) و آیا هدف از خلقت نطفه، علقه نیست؟ (ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً) و به همین ترتیب در مراحل دیگر آیا هدف، آفریده شدن مخلوقی آراسته در چهره‌ای زیبا و حیرت انگیز در دو صنف نر و ماده، نیست؟ (فَخَلَقَ فَسَوَّى فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَیْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى) در واقع می‌پرسد، وقتی در مراحل رشد انسان، هر مرحله‌ای، کمال و هدف مرحله ماقبل خود است، آیا می‌شود مجموعه‌ای اینچنین، که از این مراحل هدفدار تشکیل شده، خود بی‌هدف باشد؟! به بیان دیگر، آیات شریفه‌ای که مراحل خلقت انسان را بازگو می‌کند، می‌گوید: «مجموعه‌ای که از اجزای هدفدار تشکیل شده است، خود نمی‌تواند بی‌هدف باشد».

افسوس همه غافل از مرگ فکرش نکنیم شاید هیچ درک

غفلت منشأ توهّمات و ناباوری‌ها:

اکنون جا دارد این سؤال را مطرح کنیم که منشأ مهمل انگاشتن زندگی و بی‌هدف شمردن آن چیست؟ «أیحسب الانسان أن یتړك سدی»، و نیز منشأ ناتوان پنداشتن خداوند، برای زنده کردن مردگان، از کجاست؟ «ألیس ذلک بقادر علی أن یحیی الموتی»

اگر در جواب بگوییم نگاه غافلانه‌ای که به سادگی از کنار حقیقت می‌گذرد و آن را نمی‌بیند، مهم‌ترین علت پدید آورنده این توهّمات است، دور از واقع نگه‌ایم؛ «أَوَلَمْ یَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ یَعِ بِخَلْقِهِنَّ بِقادر علی أن یحیی الموتی بلی إِنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدیر» (احقاف / ۳۳) آیا نمی‌نگرند خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده و در آفرینش آنها درنمانده، می‌تواند مردگان را زنده کند، آری، او بر هر کاری بسیار تواناست. «وَاللَّهُ الَّذِی أَرْسَلَ الرِّیَّاحَ فَتُثِیرُ سَحَابًا فُسْفَنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَّیِّتٍ فَأُحْیَیْنَاهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا کَذَٰلِكَ النُّشُورُ» (فاطر / ۹) «و خدا همان کسی است که بادهای را روانه می‌کند پس (بادهای) ابری را برمی‌انگیزند و (ما) آن را به سوی سرزمینی مرده رانندیم و آن زمین را بدان (وسیله) پس از مرگش زندگی بخشیدیم رستاخیز (نیز) چنین است.»

امروزه فرهنگ غربی که یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های آن، روی آوردن به لذت‌های مادی و دنیوی و فاصله گرفتن از ارزش‌ها و باورهای دینی است، افزون خواهی، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی روبه رشد، اسراف، تبذیر، را برای «معاذگیزی» نسل امروز ترویج می‌دهد. (متأسفانه صدا و سیما خواسته یا ناخواسته، به تقلید از فرهنگ غربی، بیش‌ترین خدمت را در این راستا به دشمنان می‌کند.)

در حقیقت «فرهنگ غرب» همان «فرهنگ غفلت» است که بر رسانه‌های جهان سیطره دارد؛ فرهنگ غربی بیش و پیش از آنکه بحث اعتقادی کند از راه تبلیغ خوردنی‌ها، پوشیدنی‌های اشرافی و چگونه‌خوش‌گذراندن لحظه‌ها، از انسان امروز، اجازه تدبیر و تفکر به ارزش‌های اخلاقی و

دینی را می‌گیرد: « يعلمون ظاهرا مِّنَ الحیوة الدّٰنِیة و هم عن الآخرة هم غافلون » (روم/ ۷) «اکثر مردم تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند ، و از آخرت (و پایان کار) بی‌خبرند.»

روز محشر که بسنجند گناه من و تو عضو من و تو هست گواه من و تو

اگر از آل محمد نرسد خط امان در پس معرکه افتاد کلاه من و تو

از غفلت رها شویم: در مقابل غفلت، توجه و فهم درست است که با تدبیر و تعقل حاصل می‌گردد: یکی از راه‌های رفع غفلت ، انس با قرآن و عترت است که همراه با تدبیر در آن به قصد عمل نمودن و به کار بستن دستورات آن باشد. مثلاً تدبیر در آیات مقایسه دنیا با آخرت ؛ «و ما هذه الحیوة الدّٰنِیة إِلَّا لهو و لعب و إِنَّ الدار الآخرة لهی الحیوان لو كانوا یعلمون»؛ (عنکبوت/ ۶۴) «این زندگی دنیا جز لهو و لعب چیزی نیست، و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر آنها می‌دانستند.»

تدبیر در نمونه‌هایی از احیای مردگان در قرآن؛ « وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ رَبِّ أَرْنِی كَیْفَ تُحْیِ الْمَوْتِی قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِنْ لِّیُطَمِّنَنَّ قَلْبِی ... - و (یاد کن) آن‌گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من نشان ده، چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟» گفت: چرا، ولی تا دلم آرامش یابد. فرمود: «پس چهار پرنده بگیر و آنها را پیش خود ریز گردان. سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آنها را قرار بده. آن‌گاه آنها را فراخوان، شتابان به‌سوی تو می‌آیند و بدان که خداوند توانا و حکیم است.» (بقره: ۲۶۰)

« أَوْ كَالَّذِی مَرَّ عَلَىٰ قَرْیَةٍ وَ هِیَ خَاوِیَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنِّیْ یُحْیِی هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةً عَامٍ » (بقره: ۲۵۹) «یا چون آن کس که به شهری که بام‌هایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد (و با خود) گفت: چگونه خداوند (اهل) این (ویرانکده) را پس از مرگشان زنده می‌کند؟ پس خداوند او را (به مدت) صد سال میراند، آن‌گاه او را برانگیخت (و به او) گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا پاره‌ای از روز را درنگ کردم. گفت: (نه)، بلکه صد سال درنگ کردی. به خوراک و نوشیدنی خود بنگر، (که طعم و رنگ آن) تغییر نکرده و به درازگوش خود نگاه کن (که چگونه متلاشی شده و این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم) و هم تو را (در مورد معاد) نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم و به (این) استخوان‌ها بنگر چگونه آنها را برمی‌داریم و به هم پیوند می‌دهیم. سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم. پس هنگامی که (چگونگی زنده ساختن مرده) بر او آشکار شد، گفت: (اکنون) می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.»

« إِذْ أَوَى الْفِتْیَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هِیْءُ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا » (کهف: ۱۰-۱۲) «آن‌گاه که جوانان به سوی غار پناه جستند و گفتند: پروردگارا از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به سامان برسان، پس در آن غار، سالیانی چند بر گوش‌هایشان پرده زدیم. آن‌گاه آنان را بیدار کردیم تا بدانیم کدام یک از آن دو دسته مدت درنگشان را بهتر حساب کرده‌اند.»

ماجرای زنده شدن مقتولی از بنی‌اسرائیل، مردگانی که به وسیله حضرت مسیح (ع) زنده می‌شوند، زنده شدن گروهی از بنی‌اسرائیل، زنده شدن گروهی از پیروان حزقیل « أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْیَاهُمْ ... » (بقره: ۲۴۳) آیا از (حال) کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ پس خداوند به آنان گفت: «تن به مرگ بسپارید.» آن‌گاه آنان را زنده ساخت. آری، خداوند نسبت به مردم، صاحب بخشش است، ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند. « و خلاصه تدبیر در آیات بهشت و جهنم و موضوعات دیگر قرآنی.

روزها فکر من اینست که غافل نشوم در میان موج غفلت خوار و باطل نشوم

هزینه برای تربیت و ایجاد باورهای دینی: هزینه کردن برای تربیت و ایجاد باورهای دینی فرزندانمان از سنین کودکی که شخصیت، باور و افکار از همان زمان شکل می گیرد، مقابله با آسیب های جامعه ناشی از تبلیغ فرهنگ غربی. مجهز شدن به آگاهی های ضروری در این زمینه ، به خصوص مقابله با اقدامات پنهانی آلوده کردن افکار و مواد غذایی از سوی صهیونیست ها ، آموزش های صحیح و جدی اصول دین از دوران کودکی، که غفلت از آن موجب سستی اعتقاد در دوران نوجوانی و از دست رفتن جوانان می شود. روشنگری و تبیین نسبت به شبهه افکنی ها با اسلوب های خدایسندانه و جذاب، ولایت محور زندگی کردن و عشق به ولایت را در جان و روح خود و فرزندانمان نهادینه کردن ...

سراز جیب غفلت برآور کنون	که فردا نمائی به خجلت نگون
کنون باید ای خفته بیدار بود	چو مرگ اندر آرد ز خوابت چه سود
ز هجران طفلی که در خاک رفت	چه نالی که پاک آمد و پاک رفت
تو پاک آمدی بر حذر باش و پاک	که ننگ است ناپاک رفتن به خاک

اللهم صل علی محمد وآل محمد